



بررسی همبستگی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در سطح محلات شهر مشهد

چکیده

هدف این تحقیق بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (در حوزه های خدمات شهری، محیط زیست) و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان ۱۸ تا ۶۴ ساله شهر مشهد می باشد. روش انجام این تحقیق، پیمایش (توصیفی - تبیینی) است. جامعه آماری تحقیق را کلیه ساکنان شهر مشهد تشکیل داده و حجم نمونه ۳۴۸ نفر می باشد که به شیوه نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم از سطح شهر مشهد انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفته اند. پایایی و روایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش اعتبار صوری و آلفای کرانباخ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که میانگین میزان مشارکت مردم مشهد در امور شهری ۳,۱۹ (در بازه ۰-۴) است که نشان دهنده مشارکت زیاد مردم در امور شهری است، همچنین نتایج حاصل از آمار استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق نشان می دهد که بین متغیرهای احساس بی قدرتی، میزان آگاهی نسبت به مشارکت در امور شهری، سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، رضایت از عملکرد شهرداری و احساس خوداثربخشی شهروندی و مشارکت پاسخگویان رابطه معنی داری وجود دارد. یافته های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که مؤثرترین متغیر بر مشارکت شهروندان در امور شهری، رضایت از عملکرد شهرداری با ضریب تأثیر ۰,۳۱۹ می باشد و بعد از آن متغیرهای عضویت انجمنی، احساس بی قدرتی، آگاهی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و سن با توجه به مقدار ضریب تأثیر در رده های بعدی قرار دارند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد، در صورتی که شهرداری بتواند میزان رضایت شهروندان را از عملکرد خود افزایش داده و نگرش مثبتی در آنان ایجاد کند، احتمال افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری افزایش خواهد یافت.

کلمات کلیدی: روابط همسایگی، شهر، محله، مشهد، همبستگی اجتماعی

مدیریت توسعه و پژوهش

گروه مطالعات برنامه ریزی و توسعه پایدار شهری

کد گزارش: 90-Urb 22

تاریخ گزارش: 1390/10/05

اصول و عناصر تشکیل دهنده محلات در نظام سنتی ایران، تحت تأثیر شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و مبتنی بر شرایط توسعه درون‌زا بود که نقش غالب را فرهنگ سنتی ایفا می‌کرد. روابط محکم همسایگی با هویت ایرانی - اسلامی و بومی در محلات سنتی منجر به تجلی الگوهای مشترک زندگی، وابستگی عمیق محلی و همبستگی جامعه ساکن در محله می‌شد. این شرایط تا اواخر دوره قاجاریه کمتر دستخوش تغییرات بنیادی واقع شد. با پیدایش انقلاب صنعتی، در شکل ظاهری و کالبدی شهرهای کشورهای غربی تحولات عظیمی رخ داد. شهرهای سنتی کشورهای در حال توسعه نیز با کمی تأخیر نسبت به کشورهای صنعتی دچار این تحولات شدند.

با ورود مدرنیته ساختار محله سنتی در ایران نظام منسجم و یکپارچه خود را از دست داد و معیارهای مطلوبیت خود را از جوامع غربی گرفت و به این ترتیب اخذ ایده‌ها و ارزش‌های حاکم بر ساختار محلات سنتی در احداث محله‌های جدید به کلی نادیده گرفته شد. گسست در ساختار فضایی محلات و از بین رفتن هویت کالبدی آنها سبب محو ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان و کاهش ارتباطات چهره به چهره گشته و باعث جایگزینی روابط ثانوی میان افراد شده است به گونه‌ای که روابط انسان‌ها در قالب رسمی، کاری و اداری تعریف می‌شود. "محلات شهری که به عنوان مهمترین فضاهای عمومی شهر در گذر زمان دارای نقش اساسی در شکل‌دهی و سازماندهی امور شهری بودند و با ارائه خدمات روزمره القاگر احساس تعلق و هویت در میان ساکنان بودند، امروز نقش کم‌اهمیتی یافتند به طوری‌که حتی تعریف از محله تغییرات بنیادی کرده و بیشتر ضوابط رسمی و قراردادی مبنای تعریف محله شده است" (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸).

در این مقاله ضمن بررسی تأثیر محله - به عنوان حلقه واسط میان انسان‌ها و شهر - بر همبستگی شهری، به تعریفی از محله و همبستگی اجتماعی پرداخته می‌شود و میزان همبستگی اجتماعی در مشهد مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس عوامل موثر بر ایجاد همبستگی در سطح محله عنوان می‌شوند و در نهایت راهکارهایی عملی در جهت افزایش سطح همبستگی در محلات شهر مشهد به مدیران و برنامه‌ریزان شهری ارائه می‌گردد.

بیان مسئله

ادبیات جامعه‌شناسی و جغرافیای شهری معاصر، یکی از ویژگی‌های عمده کلان‌شهرهای کنونی را کاهش نگران‌کننده پیوندهای اجتماعی و اخلاقی می‌دانند. کلان‌شهر کانونی اجتماعی - فضایی است که به تناسب افزایش جمعیت، تنوع بیشتر و قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر، توسعه نظام فنی و نیز بالا رفتن حجم انتظارات

ساکنین آن، پیوسته در معرض اشکال مختلفی از کاهش یا گسست در پیوندهای اجتماعی و اخلاقی قرار دارد (موسوی، ۱۳۸۱).

اولین تأثیر کاهش همبستگی اجتماعی در جوامع شهری را می توان افزایش مشکلات و آسیب های اجتماعی دانست. نابهنجاری های اجتماعی، افزایش جرایم شهری، تخلف از قوانین و مقررات و در نهایت ناامنی و بی نظمی روز افزون در شهرها موضوع خطر کاهش همبستگی اجتماعی و اخلاقی را به نقطه ای تهدید کننده برای سلامت و توسعه پایدار در کلان شهرها تبدیل نموده است. در مجموع، افزایش نظم، کاهش جرایم و افزایش مشارکت های مردمی نتیجه مستقیم افزایش همبستگی اجتماعی است.

امروزه برای حل مشکلات شهرنشینی، رهیافت توسعه محله ای جایگاه ویژه ای یافته است. این جنبش سیاستگذاری، برنامه ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد یعنی محله هدف قرار می دهد (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸). در زمان کنونی توجه و تأکید برنامه ریزی و مدیریت شهری به سطوح پایین تر و خردتر و عینی تر از زندگی شهری معطوف شده است (Fridman, 1993:43). متأسفانه رویکردی تنها کالبدی- اقتصادی با غفلت از مسائل اجتماعی و فرهنگی در مدیریت شهری چیزی جز ناکامی برای برنامه ریزان کلان شهرهای کشور ما به همراه نداشته است. «محله» بخش مهمی از فضای عمومی شهر است که فرصت ارتباط اجتماعی را برای ساکنین فراهم می آورد و از این جهت در تقویت انسجام شهر نقش اساسی ایفا می کند. بنابراین از آنجا که پایه های روابط تنگاتنگ و پیچیده همبستگی خرد و کلان بر پایه محله قرار دارد و همبستگی اجتماعی در آن تبلور فضایی می یابد، باید به عنوان واحد پایه و محور برنامه ریزی و مدیریت شهری مورد توجه باشد و برنامه ریزان شهری با تصمیم گیری های خردمندانه، علمی و پایدار در فضای محلات می توانند گام موثری در جهت افزایش سطح همبستگی و انسجام اجتماعی و در نهایت توسعه پایدار بردارند.

تعریف مفاهیم: محله

برای تعریفی کامل از واژه «محله» لازم است ابتدا تعریف مختصری از برخی از واژه های مرتبط با این واژه از جمله «اجتماع» و «اجتماع محلی» داشته باشیم.

اجتماع: در تعریف اجتماع آمده است که اجتماع مجموعه ای از روابط متقابل افراد و گروه های مختلفی از مردم است که در مکانی خاص پی ریزی می گردد و این افراد به واسطه وابستگی و علائق مشترک با همدیگر اتحاد و پیوند دارند (small, 1990:43). بنابراین به نظر می رسد اجتماع مفهومی است که در محله قابلیت شکل گیری دارد.

اجتماع محلی: در تعریف واژه های هم پیوند با محله، مبتنی بر بعد اجتماعی آن، مفهوم اجتماع محلی مطرح است. در نوشتارهای شهرسازی مفهوم اجتماع محلی، شبکه‌ای از اجتماعات مردمی با هویت، علائق و نظریه‌های مشترک در سطح محلی است که زمینه های شناخت، ایجاد فرصت و حمایت های دوسویه را برای تعامل متقابل فراهم می آورد. "اجتماع محلی که به سبب همبستگی در فضای سکونت ایجاد می گردد، یک محله را تشکیل می دهد که می تواند ابعاد گوناگون جمعیتی و کالبدی را داشته باشد. در اینجا منظور ما مفهوم اجتماعی آن است، آنچه از این منظر در اجتماع محلی اهمیت قابل توجهی دارد «وجود ارتباطات نزدیک»، «سرنوشت مشترک» و «همبستگی اجتماعی» است. به این ترتیب می توان گفت محله واحدی از فضای شهری است که اجتماع محلی در آن استقرار یافته است" (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۹).

محله: در مباحث شهرشناسی جغرافیایی، برنامه ریزی شهری، علوم اجتماعی و سایر رشته های مرتبط مفهوم ثابت و ایستایی از آن به عمل نیامده است. اما در یک نگاه کلی این علوم دارای مضامین مشترکی در خصوص محله هستند که به وسیله آنها می توان محله را این چنین تعریف کرد:

محله محدوده مشخصی از شهر است که در آن روابط متقابل بین ساکنین وجود دارد و ساکنین آن دارای حس همبستگی، هویت جمعی و اهداف مشترک در محدوده محله هستند. (عبدلهی و همکاران، ۱۳۸۸).

ملاحظه می گردد که همبستگی و انسجام بین ساکنین محله یکی از ویژگی های لاینفک محله محسوب می گردد و بدون حضور مفهوم انسجام، محله معنا نمی یابد.

همبستگی

مفهوم همبستگی در شهر حکایت از انواع مختلف ارتباطات نیرومند عاطفی و اجتماعی ساکنین دارد. علی رغم تفاوت معنی در مفهوم و کاربرد همبستگی اجتماعی، معیارهای عمومی شناخت میزان همبستگی در نزد اکثر جامعه شناسان مشترک است. مهمترین خصوصیت معیارهای فوق، سنجش و اندازه گیری تعلق و پیوستگی های افراد همگن شهرتشین در قبال هنجارها، ارزش ها، قواعد عمومی زندگی رفتارهای تعمیم یافته و در مجموع فرهنگ و سلوک زندگی جمعی است. (موسوی، ۱۳۸۱)

گرچه تجارب پژوهشی در خصوص سنجش همبستگی اجتماعی در ایران بسیار محدود است، اما یوسفی و اصغرپور (۱۳۹۰) این مفهوم را عملیاتی کردند و از طریق ۳ فرآیند به شناخت مولفه ها، اجزا و نهایتاً معرفت های تجربی دست زنده اند، متأسفانه این مفهوم تاکنون مورد سنجش تجربی قرار نگرفته است. سه فرآیند معرفی شده به این ترتیب هستند:

- ۱- میزان هماهنگی در بین واحدهای اجتماعی
- ۲- میزان وحدت نمادی در بین واحدهای اجتماعی
- ۳- میزان تقابل و تضاد در بین واحدهای اجتماعی

شکل ۱ نحوه سنجش انسجام اجتماعی در شهر مشهد

نام متغیر	ابعاد	اجزاء	معرف های تجربی	
انسجام اجتماعی	هماهنگی ساختاری	اندازه، ترکیب و حمایت شبکه اجتماعی	تعداد دوست، همسایه، خویشاوند و همکار و سهم عضویت آنها، دامنه حمایت اعضاء شبکه؛ اعتمادتعمیم یافته	
		تنوع اجتماعی در شبکه دوستی	تنوع زمینه ای (سنی، تحصیلی، وضع فعالیت، جنسی، قومیتی، مذهبی و...)، تنوع پایگاهی	
		تداخل شبکه های اجتماعی	تداخل عضویت شبکه دوستی، همکاری، همسایگی و خویشاوندی	
	وحدت نمادی	پیوند ضعیف	دوستی در بین دوستان اول، دوم و سوم	
		هنجار تعهد زیست محیطی در شهر	تعهد به حفظ محیط زیست و اموال عمومی و رفع مشکلات محیطی شهر	
		هنجار مسئولیت نسبت به قوانین شهری	مسئولیت نسبت قوانین رانندگی، پرداخت دیون قانونی و رعایت الگوی مصرف	
		هنجار کارائی اجتماعی در شهر	درستی، دقت، سرعت و موقعی کارها	
تقابل	هنجار صداقت شهروندی			
	تقابل و تضاد در شبکه اجتماعی	تعداد دوست، همسایه، خویشاوند و همکار درگیر کدورت و خصومت		

بررسی تجربی مفهوم همبستگی در شهر مشهد توسط یوسفی و اصغرپور (۱۳۹۰) از طریق پیمایش صورت نگرفته است، بنابراین اطلاعاتی در مورد میزان همبستگی در این شهر وجود ندارد. اما مولفه های این مفهوم کم و بیش در سایر تحقیقاتی که در مشهد انجام شدند، عملیاتی شدند و مورد سنجش قرار گرفتند، در ادامه به بررسی این مولفه ها در سایر مطالعات می پردازیم.

هماهنگی ساختاری: ارزیابی و شاخص ها

مولفه های هماهنگی ساختاری با شاخص های اندازه، ترکیب و حمایت شبکه های اجتماعی، تنوع اجتماعی در شبکه، تداخل شبکه های اجتماعی و پیوندهای ضعیف، از طریق بررسی انسجام در شبکه های همسایگی در شهر مشهد توسط حجازی و همکاران (۱۳۸۸) تاحدودی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته های این تحقیق انسجام رابطه ای شبکه همسایگی شهر مشهد کمتر از حد متوسط و بیشتر نیز متکی بر پیوندهای ضعیف همسایگی است. تراکم و قرینگی در روابط ضعیف همسایگی همچون آشنایی و سلام و علیک در شبکه های همسایگی شهر مشهد به

مراتب بیش از روابط و پیوندهای قوی همسایگی همچون رفت و آمدهای خانوادگی است. همچنین یوسفی (۱۳۸۵) در طرح پژوهشی «انسجام اجتماعی» در ایران، انسجام رابطه ای را در شبکه روابط اجتماعی سنجیده است. میزان سازگاری و هماهنگی در بین چهار شاخص رابطه ای شامل، تراکم رابطه اجتماعی، روابط حمایتی، پیوندهای ضعیف و قرینگی روابط اجتماعی که با استفاده از ضریب همبستگی بین طبقه ای محاسبه گردیده در شهر مشهد معادل ۰,۲۲ بوده است که حاکی از ضعف انسجام رابطه ای در این شهر است.

تحقیق دیگری تحت عنوان «روابط همسایگی در شهر مشهد» توسط دکتر نیمروزی (۱۳۸۸) به منظور بررسی میزان تراکم روابط همسایگی (آزمون فرض تضعیف اجتماع همسایگی) در سطح شهر مشهد انجام شده است. نتایج بدست آمده بیانگر تأیید فرض تضعیف روابط همسایگی (نمره ۶۷ صدم در بازه ۰-۲) در بین خانوارهای همسایه در سطح شهر مشهد است. نتایج تحلیل های آماری بیانگر وجود رابطه معنادار بین متغیرهای درک از اجتماع همسایگی، سابقه سکونت در محل، احساس فاصله اجتماعی با همسایه‌ها، تجربه قبلی با متغیر میزان درگیری در روابط همسایگی می‌باشد.

بر اساس نتایج پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان ، در مشهد روابط همسایگی درون محلات بسیار ضعیف است و برای اشخاص اهمیت چندانی ندارد و روابط محله ای محدود به امور ضروری و کم هزینه است (پیمایش ارزش ها و نگرش های مردم در خراسان رضوی، ۱۳۸۵: جلد ۳).

تحقیق آمایش فرهنگی نیز بازگو کننده همین نتایج است؛ میانگین نمره حجم روابط همسایگی در بازه ۰-۲، نمره ۶۷.۰ (یعنی در حد کم) است. ضمن اینکه قریب به ۲۵ درصد خانواده ها، هیچ گونه شناختی از همسایه‌هایشان ندارند. این نتایج نشان می دهد روابط همسایگی در نتیجه ناهمگونی های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاصل از رشد و توسعه شهر مشهد بویژه در یکی دو دهه اخیر تضعیف شده است (بهروان، ۱۳۸۶).

وحدت نمادی: ارزیابی و شاخص ها

در خصوص مولفه‌ی وحدت نمادی با شاخص هایی چون هنجار تعهد زیست محیطی در شهر، هنجار مسئولیت نسبت به قوانین شهری، هنجار کارایی اجتماعی در شهر و هنجار صداقت شهروندی پژوهش هایی می‌توان یافت که در سطح شهر مشهد به این موضوع یا موضوعات مشابه پرداخته اند. این مطالعات عموماً در حوزه فرهنگ شهروندی، حفظ امکانات عمومی و پدیده وندالیسم هستند.

در پژوهشی که مسعودیان (۱۳۸۳) انجام داده است کم توجهی مردم شهر مشهد نسبت به امکانات عمومی شهر گزارش شده است. از جمله نتایج این تحقیق آن است که همانطور که میزان استفاده از اموال عمومی در مناطق پایین شهر بیشتر است، میزان توجه به اموال عمومی نیز در مناطق پایین شهر بیشتر از مناطق بالای شهر است.

طی پژوهشی که صدیق اورعی (۱۳۸۶) در خصوص پدیده وندالیسم در مشهد انجام داده است، این پدیده نگران کننده را در شهرهای بزرگ کشور از جمله مشهد دارای حدود و ابعاد وسیع تر و پیچیده تر می‌داند. نتایج این تحقیق نشان داد که بیشترین رفتار نابهنجار که به میزان زیاد مشاهده شده است راه رفتن روی چمن با ۶۴/۵ درصد می باشد. و ریختن آشغال در پارک و خیابان با ۵۵/۷ درصد در مرتبه بعدی قرار دارد و کمترین رفتار تخریب مجسمه‌ها و تابلوهای پارک‌ها با ۵/۵ درصد بوده است.

تقابل: ارزیابی و شاخص‌ها

مولفه‌ی تضاد و تقابل در شبکه نیز که از طریق تعداد دوست، همسایه، خویشاوند و همکار درگیر کدورت و خصومت عملیاتی می شود نیز مولفه‌ی است که تاکنون مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته و اطلاعاتی در این خصوص موجود نیست. تنها در حوزه همسایگی نتایج تحقیق آمایش فرهنگی حاکی از آن است که به دلیل پایین بودن حجم روابط همسایگی، میزان تعارض و نزاع میان همسایگان نیز درصد اندکی را به خود اختصاص داده است: ۸۹ درصد پاسخگویان اظهار داشتند تاکنون مشکل خاصی با همسایه‌ها نداشتند. ۲ درصد مشکل درگیری مردان همسایه با یکدیگر، ۲ درصد حساسیتهای اخلاقی، ۲ درصد وقوع سرقت، ۲ درصد مسائل مربوط به تأسیسات ساختمان، ۱،۵ درصد مساله پارک اتومبیل و ۱،۵ درصد مزاحمت ناشی از سروصدا و بازی بچه‌ها را مطرح کردند.

در مجموع بر اساس یافته‌های تحقیقاتی که هر کدام مولفه‌ای از همبستگی را مورد سنجش قرار دادند و نظریاتی که در مورد پدیده کاهش همبستگی در کلان شهرها هستند می توان به این نتیجه نهایی رسید که این پدیده در کلان شهر مشهد به شکل مسئله اجتماعی درآمده است و با موضوع کاهش همبستگی و انسجام اجتماعی روبه رو هستیم.

عوامل شکل گیری همبستگی محله ای

بر مبنای مطالعه منابع موجود کتابخانه ای برخی عوامل شکل گیری همبستگی در سطح محله را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱- حس مکان: از دیدگاه روان شناسی محیطی، انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم ذات پنداری با مکانی که در آن سکونت دارند قابل تحقق است. این حس کمی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید حس مکان نامیده می‌شود که به عنوان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط باعث بهره برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده

کنندگان و در نهایت احساس تعلق آنها به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود. حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست یابی به هویت برای افراد می‌شود (ضرابیان و منعام، ؟)

۲- ارتباطات همسایگی و تعاملات رودررو: انسان‌ها نیازمند برقراری ارتباط با یکدیگر هستند. نزدیکی مکانی از طریق همسایگی و فضاهای موجود در محلات مانند پیاده‌روها، مغازه‌ها، گوشه‌های خیابان، اماکن مذهبی و بسیاری از مکان‌های دیگر موقعیت مناسبی برای کنش متقابل مردم با یکدیگر هستند. با اندکی دقت در فضای محلات شهری الگویی از کنش متقابل میان مردم قابل مشاهده است.

۳- همگونی جمعیت: یکی از شرایط ایجاد همبستگی بین ساکنین محله همگونی افراد ساکن در محله است. این همگونی به خصوص در مورد درآمد تأثیر بیشتری بر سطح همبستگی محله‌ای دارد. وجود اشتراکاتی چون درآمد، تحصیلات و قومیت اعتماد عمومی بیشتری در بین ساکنین ایجاد می‌کند و به بروز احساسات مشترک می‌انجامد. بالعکس تفاوت طبقاتی، فرهنگی و قومی منجر به کاهش همبستگی اجتماعی می‌گردد.

۴- نمایش هنجارهای غیررسمی حاکم بر فضای محلات: هنجارهای غیررسمی در محلات منابع رفتاری خودجوشی هستند که به جای آنکه از قانون یا نهادهای رسمی شکل بگیرند از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند و ناشی از انتخاب تعمدی نیستند. هنجارهای اجتماعی غیررسمی به دلیل بالا بردن تعهد اخلاقی اعضای تداوم سنت‌های اجتماعی و پایداری اکثر ساکنان محله به این هنجارها، خودبه‌خود عاملی برای افزایش سطح همبستگی و مانعی در برابر آسیب‌های اجتماعی و جرم‌های خیابانی هستند. (خاکپور، ۱۳۸۴)

جمع بندی و راهبردهای پیشنهادی

در پایان باید گفت همبستگی اجتماعی مفهومی نیست که بتوان بر آن تأثیر مستقیم گذاشت و به راحتی سطح آن را افزایش داد. محله به عنوان بخش مهمی از فضای عمومی شهر، می‌تواند نقش اساسی در ایجاد همبستگی اجتماعی ایجاد کند. محلات شهری که زمینه همبستگی اجتماعی را فراهم می‌آورند، محلاتی هستند که متناسب با نیازهای ساکنان خود شکل گرفتند، زمینه ساز تعاملات اجتماعی هستند و حس تعلق به مکان را در خود به طور مستتر دارند. این در حالی است که در ایران هنوز به نقش سازنده‌ای که این فضاها می‌توانند در بهبود کیفیت زندگی شهروندان داشته باشند، توجهی نمی‌شود.

با توجه به اینکه محلات مکان‌هایی از شهر هستند که از طریق توانمندسازی دارای کارکردهای خاصی از جمله شکل دهی به همبستگی و یکپارچگی اجتماعی هستند، پیشنهادهای برای تغییرات کالبدی محلات ارائه می‌گردد تا مسئولین ذیربط با لحاظ آنها در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت شهری به سمت توسعه‌ی پایدار مشهد مقدس گام بردارند.

۱- ایجاد فضاهای نیمه خصوصی - نیمه عمومی

- در طراحی و برنامه ریزی محلات باید طوری عمل شود که محلات به فضاهای نیمه عمومی تبدیل شوند. این فضاهای نیمه خصوصی باید در نزدیکی خانه‌های مسکونی و در کنترل ساکنان واحدهای مجموعه باشد و فضایی صمیمی و آشنا برای گفتگو، گپ زدن و هواخوری، نشستن و گردهم آیی، بازی کودکان در کنار و تحت نظارت بزرگترها، استراحت افراد سالمند مجموعه و فعالیت‌هایی نظیر بازی شطرنج، مطالعه و غیره باشد (رستم خانی، ۱۳۸۳). شرایط ایجاد چنین فضاهایی در هیچکدام از مناطق شهر مشهد فراهم نشده است.

- همچنین در طراحی این فضاها باید به نیمه عمومی بودن آن نیز توجه کرد، "جریان سیال جمعیت در میان فضاهای شهری و ارتباطات ناآشنا و غریبه جمعیت با یکدیگر، باعث بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها می‌شود. بنابراین باید کوشید که حداقل از ورود اتومبیل‌های فراوان و جمعیت انبوه غریبه به داخل محلات جلوگیری شود" (خاکپور، ۱۳۸۴). در طراحی فضاهای داخلی مجتمع‌های مسکونی در مناطق ۱۰ و ۹ می‌توان این ایده را بکار گرفت و در ایجاد شرایطی برای تشکیل اجتماع محلی در مناطق آپارتمان‌نشین موثر بود.

- در طراحی فضای محله باید کوشید محله از طریق خیابان‌های عریض و طویل و ساختمان‌های اداری بزرگ جداسازی نشود. این ایده حداقلاً مکان باید در نوسازی شهری در مناطقی چون منطقه ۱ خیابان آبکوه لحاظ گردد.

- طراحی مناسب شهری می‌تواند با فراهم آوردن فضاهای مناسب ارتباطات اجتماعی و ایجاد حس اجتماعی نسبت به مکان منجر به تقویت هویت جمعی و همبستگی اجتماعی شود.

۲- حفظ تراکم و ترکیب جمعیت در محله‌ها

- در این مورد حفظ جمعیت کنونی در محلات باید در دستور کار قرار گیرد. افزایش جمعیت از طریق دادن مجوز برای ساخت و ساز آپارتمان‌های متعدد در فضای محلات بدون در نظر گرفتن ظرفیت محله، منجر به کاهش امکانات محله به نسبت جمعیت و تنزل سطح کیفی خدمات شهری می‌شود. (تراکم متوسط بافت مسکونی)

- افزایش جمعیت در محلات از طریق اعطای مجوز برای ساخت و ساز واحدهای آپارتمانی با تراژ پایین در محلات قدیمی شهر که عموماً منازل ویلایی با تراژ بالا وجود دارد، منجر به عدم هماهنگی خانواده‌های محله به لحاظ اقتصادی و فرهنگی می‌گردد و ترکیب همگون جمعیت را دستخوش تغییر قرار می‌دهد. متأسفانه در این خصوص در

اکثر مناطق قدیمی شهر مشهد به خصوص در مناطق ۱، ۱۱ و ۹ ترکیب یک دست و همگون دستخوش تغییر قرار گرفته است.

- از دید صاحب‌نظران، یکی از شرایط بسیار مهم پایداری محلات، همگونی جمعیت به لحاظ طبقه اجتماعی است. این عامل زمینه را برای تعاملات همسایگی و حس همبستگی در بین ساکنین فراهم می‌آورد.

۳- توزیع و تجهیز امکانات و خدمات در سطح محله

- برای حل معضلات اجتماعی باید شرایط تغییر مطلوب در روابط اجتماعی در کلان شهر مشهد فراهم آید. به نظر می‌رسد شهرداری با توزیع و تجهیز امکانات و خدمات در سطح محله‌ها و شهر مانع عمده‌ای جهت جلوگیری از تشدید تعارض‌های شهری و در نتیجه فرسایش روابط انسانی ایجاد خواهد کرد.

۴- گسترش فضای سبز درون محله‌ای

- توسعه فضای سبز از جمله میدانچه‌ها و پارک‌های محلی مناسب و بکارگیری صحیح آنها، گذشته از تأثیرات زیست محیطی (کنترل آلودگی هوا و صدا، کنترل انعکاسات مزاحم نور، کنترل فرسایش خاک و تثبیت آن) و همچنین کنترل شرایط اقلیم خرد، در تقویت روابط اجتماعی و افزایش تماسها بین همسایگان نیز تأثیر شگرفی دارد (رستم خانی، ۱۳۸۳). درصد بالایی از ساکنین شهر مشهد در مناطق مختلف در خصوص ایجاد فضای سبز در محله احساس نیاز می‌کنند. در این مورد اقدام به جا و مناسب شهرداری منطقه ۱۱ در مورد ایجاد پارکهای محلی کوچک در خیابان سیدرضی اقدامی به جا و مناسب جهت افزایش ارتباطات همسایگی بوده است.

۵- توسعه محل تجمع ساکنین مانند مساجد، بازارچه‌های محلی و طراحی عناصر هویت بخش در آنها

- مکان ساخت مساجد و اماکن مذهبی باید در فضایی مناسب از محله صورت گیرد. قرار گرفتن مساجد در مسیرهای در دسترس و حتی الامکان در مرکز محله و برخورداری از پارکینگ و کوچه‌هایی باز در اطراف مسجد، به کارکردهای محله‌ای و آرام سازی سیمای ساختاری محلات منجر می‌شود (بی‌نا، ۲۰۰۸).

- حضور در مراکز مذهبی از یک سو به سازمان دهی و تقویت تعامل و روابط مثبت میان اعضای جامعه می‌انجامد، هر چه افراد از طریق حضور در مراکز عبادی، بیشتر در کنش متقابل با یکدیگر قرار بگیرند دارای روابط مثبت تر و گرم تری خواهند بود و از سوی دیگر دین در همبستگی بین اجزاء و عناصر یک مجموعه از جمله محله از طریق اتصال برقرار کردن میان اعضای خانواده و دوستان در یک گروه اجتماعی همانند نقش اساسی ایفا می‌کند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹).

- وجود بازارچه محلی علاوه بر اینکه ساکنان را از مراجعه به سایر محلات بی‌نیاز می‌سازد، بسترساز تعاملات اجتماعی نیز است و استفاده از عناصر هویت بخش در اماکن عمومی مانند بازارچه‌ها با ایجاد حس مکان در ساکنین

احساس تعلق به مکان را در آنها حفظ می کند و بین انسانها و محیط ارتباط برقرار می کند و وحدت به وجود می آورد.

- شهرداری های مناطق مختلف مشهد در خصوص احداث بازارچه های محلی اقدامات لازم را به عمل آورده اند، اما این بازارچه ها عموماً به صورت موقتی و خالی از عناصر هویت بخش هستند. همچنین در محلات مختلف شهر مشهد احساس نیاز به مساجد کمتر به چشم می خورد (در سال ۱۳۸۷، تنها ۱۷ درصد ساکنین مشهد احساس نیاز به بنای مسجد در محله خود داشته اند) اما طراحی نمای داخلی و خارجی اکثر مساجد در محلات بر اساس اصول معماری اسلامی نیست و اکثر مساجد فاقد جذابیت برای ساکنین محلات هستند.

۶- ارتقاء فرهنگ شهروندی در سطح محلات

"مفهوم شهروندی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسائل یگانگی و همبستگی اجتماعی ناظر است" (هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸). "با سازوکار فرهنگ شهروندی می توان بسیاری از نیازها را که خود معلول فقدان روابط مطلوب انسانی در شهر است فراهم آورد. این نکته قابل توجه است که تنها شهرنشین بودن مفهوم شهروندی را نمی رساند، تنها با وجود حس شهروندی است که مفهوم مسئولیت و حقوق شهروندی تحقق می یابد. بنابراین ضروری است که برای تکوین پایدار همبستگی اجتماعی نوعی درک و احساس شهروندی توسط نهادها و سازمان های مربوطه چون شهرداری از طریق آموزش های غیر رسمی شکل گیرد" (موسوی، ۱۳۸۱).

منابع

- بهروان، حسین (۱۳۸۶) گزارش نهائی طرح : آمایش فرهنگی و سنجش نیاز های خانوار در مناطق دوازده گانه شهر مشهد. شهرداری مشهد معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر مطالعات و برنامه ریزی. چاپ نشده.
- بی نا (۲۰۰۸) نقش مساجد در توسعه ی محله ای . www.UrbanManagement.ir
- پیمایش ارزش ها و نگرش های مردم استان خراسان رضوی ، جلد ۳ (۱۳۸۵). معاونت پژوهشی وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی. موسسه گام اندیشه شرق.
- حجازی، مهلا. نوغانی، محسن. یوسفی، علی (۱۳۸۸) انسجام در شبکه های همسایگی شهر مشهد. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۱۰. ۱۶۱-۱۳۸.
- خاکپور، براتعلی. مافی، عزتباوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸) نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله ای. مجله جغرافیا و توسعه محله ای. شماره ۱۲. ۵۷-۸۱.
- خاکپور، براتعلی. پیری، عیسی. (۱۳۸۴) آسیب شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه های اجتماعی و کالبدی شهروندان در کاهش آن. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۶. ۱۴۹-۱۱۹.
- ربانی خوراسگانی، علی. صدیق اورعی، غلامرضا. خنده رو، مهدی. (۱۳۸۹) بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در سطح محله. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۹. ۱۴۹-۱۱۹.

- رستم خانی، پروانه، (۱۳۸۳). توسعه فضای سبز در تعامل با توسعه اجتماعی محله. همایش توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۸۶) گزارش مدیریتی از طرح: بررسی جامعه شناختی ناهنجاری های اجتماعی در حیطه وظایف شهرداری (وندالیسم و سایر رفتارهای ناهنجار مضر به خدمات و امکانات شهری) در شهر مشهد و ارائه راهکارهایی برای کاهش آنها.
- ضرابیان، فرناز. منعم، محمدرضا. (؟) بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار بر حس مکان. مجله شوراها شماره ۸۹. ۲۸-۲۴.
- عبدالهی، مجید. صرافی، مظفر. توکلی نیا، جمیله (۱۳۸۸) بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله های شهری ایران. مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲. ۱۰۲-۸۳.
- مسعودیان جاغرق، مجید (۱۳۸۳) بررسی عوامل کم توجهی مردم در حفظ امکانات عمومی در شهر مشهد. استاد راهنما: حسین بهروان. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۱) پدیده کاهش همبستگی در کلان شهرها. مجله مدرس، دوره ۶، شماره ۱۳۲، ۲-۱۱۳.
- هاشمیان فر، سیدعلی. گنجی، محمد (۱۳۸۸) تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان. مجله جامعه شناسی کاربردی، شماره پیاپی ۳۳، شماره ۱. ۲۵-۴۴.
- نیمروزی، نوروز (۱۳۸۸) سنخ شناسی روابط اجتماعی در شبکه های همسایگی در شهر مشهد. استاد راهنما: رحمت ا... صدیق سروستانی. پایان نامه دکترای جامعه شناسی دانشگاه تهران.
- یوسفی، علی. اصغرپور، احمدرضا (۱۳۹۰) بررسی جامعه شناختی شهر مشهد (چارچوب مفهومی و روش شناختی) شهرداری مشهد. (چاپ نشده)
- یوسفی، علی (۱۳۸۵) وضعیت انسجام اجتماعی در ایران. مجله آیین، شماره ۶، ۱۴-۱۳.
- Friedman, J (1993) **Toward anon euclidion mode of planning**. APA journal, Autumn, pp 43-44.
- Small, J. Withrick, M (1990) **A Modern Dictionary of Geography**, Edward Amold Press.